

مین: آفتاب: زندگی

فاطمہ خیال بہ بھانی



زمستان ۱۳۹۴

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

انتشارات شادان

دفتر مرکزی :

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن : ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com



نویسنده : فاطمه اقبال بهبانی

نوبت چاپ : اول / تابستان ۱۳۹۴

ویراستار : مژگان مهری

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۲۲-۰

کتابخانه ملی : ۳۹۱۵۴۶۱

تیراژ : ۱۵۰۰ جلد

قیمت : ۲۶۰۰۰ ریال

یادآوری : کتاب حقوق این اثر متعلق به انتشارات شادان می باشد و هرگونه استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز نیست.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتاب های شادان برای قرار دادن در سایت های مختلف - به هر شکل - غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

اقبال بهبانی . فاطمه

من . آفتاب . زندگی نویسنده : فاطمه اقبال بهبانی /

تهران : شادان / ۱۳۹۴ / ۴۳۶ صفحه /
(ارمان ۱۱۹۳)

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۸-۲۲-۰
ISBN : 978-600-7368-22-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱- داستانهای فارسی - قرن ۱۴

۸ م ۳۳ ق / PIR ۷۹۵۳

۱۳۹۴

۸۵۳/۶۲

۳۹۱۵۴۶۱

کتابخانه ملی ایران

تجربه برای نسل مجازی...

تا یکی دو دهه قبل، بزرگ‌ترها به استناد تجربه بیشتری که داشتند به راحتی خود را راهنمای نسل بعد می‌دانستند. زندگی با اندک تغییراتی از یک نسل به نسل بعد منتقل می‌شد و همه چیز تقریباً تکرار مکررات بود. به عنوان مثال اگر موضوع ازدواج یا رابطه‌ای عاشقانه برای یک جوان شکل می‌گرفت، نمونه‌اش با اندک تغییرات در پدر و مادر او رخ داده بود و به همین دلیل بزرگ‌ترها از تجربه خودشان در این رابطه مثال می‌آوردند. جوان‌ها هم که انگار خلق شده‌اند برای گوش نکردن و شنیدن این توضیح که «من چند پیراهن بیشتر از تو پاره کردم» را جای ممکن کار خود را کردند!

اما امروز ماجرا تفاوتی پیدا کرده است، درست مثل این‌که همان بزرگ‌ترهای دارای تجربه به گره‌ای دیگر سفر کرده‌اند و به قواعد آشنا آشنایی ندارند. اصلاً ارتباطات و وسایل آن دچار تغییر و تحول شگرفی شده‌اند که آدم‌های نسل قبل می‌مانند چگونه شرایط روزگار خودشان را با وضع امروز تطبیق دهند! دیگر نمی‌توان گفت که من چون چند پیراهن بیشتر از تو پاره کرده‌ام و همه این روابط را پشت سر گذاشته‌ام، پس به حرف و تجربه‌هایم گوش کن! دیگر پاره شدن آن پیراهن‌ها به کار امروزی‌ها نمی‌آید!

زندگی در نتیجه تغییر و تحولات تکنولوژی چنان دچار دگرگونی شده است که تمامی ارکان و اصول ایجاد ارتباط میان افراد تغییر کرده است! دیگر



نمی‌توان شرایط امروز را با دو دهه قبل مقایسه کرد و به همان دلایل نتیجه گرفت که زندگی تکرار تجربیات گذشته است و آنچه من در قبل آموخته و اندوخته‌ام، امروز برای فرزند من کاربرد دارد.

با کمی توجه می‌بینیم که سبک آشنا شدن افراد، ایجاد رابطه کلامی، ابراز عشق و حتی دیدار کردن‌ها به شکلی تغییر یافته که برای جوان‌های نسل دیروز تقریباً قابل فهم نیست. اصلاً گاهی فکر می‌کنیم که هر آدمی در دنیای امروز یک نماد یا آواتار به جای خود دارد که نشانگر تمام خصوصیات دلخواه او است (و نه خودش!) و افراد با این نمادهای جایگزین مدت‌ها با هم ارتباط کلامی و نوشتاری (تایپی!) دارند و از واقعیت همدیگر بی‌خبرند! پس نسلی با این خصوصیات دیگر نیازمند کسب تجربه از پیشینیان خود نیست و راه خود را - چه صحیح و چه غلط - با قواعد خودش طی می‌کند.

نمی‌دانم این اتفاق خوب‌اند یا نه، اما به هر حال اجتناب‌ناپذیر بوده و رخ داده است. این (هم فایده از دلخواه ماست، چه خوش‌مان بیاید و چه نیاید!) پس در این دوره گذر از نسل غی دیجیتال و فیزیکی به نسل دیجیتال و مجازی شاید کمتر بتوان از انتقال تجربه سخن گفت و در نتیجه هر دو نسل ناخواسته در یک سردرگمی ارتباطی گرفتار آمده‌اند. تا کی شود که به این وضع خو بگیریم؟!

بگذریم... قصه امروز ما نیز بیانگر روابط میان نسل‌های مختلف و انتقال تجارب میان آنهاست که گاهی نتیجه‌ای درست و دائمی موجب سرگردانی است. خط قصه جذابیت لازم برای همراه شدن با قهرمان داستان را دارد و با توجه به سوژه و پردازش شخصیت‌ها می‌تواند به دل‌نشین... امیدوارم خواننده شادان با آن همراه شود و در آخر تأییدش کند.

زندگی تان پُر از تجربه‌های خوب!

بهمن رحیمی

بهمن ماه ۱۳۹۴ - تهران

